

سرمقاله

حضور در هیئت تحریریه برخی مجلات، به شرط آنکه تنها اسمی و تشریفاتی نباشد، و بررسی مقالات رسیده و داوری شده و همچنین داوری برخی مقالات برای نشریات مختلف دست کم این اشراف نسبی را برای فرد فراهم می‌کند که بتواند مسیر پژوهش دانشگاهی و فرازوفرود مقاله‌نویسی را از نزدیک دنبال کند.

چندسالی است، کم‌تر از دو دهه، که مقاله‌نویسی فارسی ظاهراً به تبعیت از رویکردی جهانی، که عمدتاً ممکن است در برخی از حوزه‌های علمی و در نهایت علوم اجتماعی صادق باشد، با پیدا کردن قالب و ساختاری مشخص به یکنواختی دل‌آزاری روی آورده و با حضور در بدنه پژوهش‌های آکادمیک و تحمیل بر ذوق و پسند و سلیقه داوران دانشگاهی، به درون ضوابط اداری و آیین‌نامه‌های ارتقا نیز رسوخ یافته است. خطر این رویکرد یکنواخت کردن همه دانش‌ها و قالب‌گیری ذهن‌ها و سلب خلاقیت و ابتکار از پژوهشگر است که راه را بر هر نوآوری و ابتکاری می‌بندد و نمی‌گذارد متناسب با دانشی که با آن سروکار دارد به پژوهش پردازد و راه کشف حقیقت را آزادانه و منطبق بر اصول پذیرفته هر علم پیدا کند. در این میان دانشی مثل فرهنگ عامه بیش از همه در معرض انحراف قرار می‌گیرد. فرهنگ مردم عرصه تنوع است. در هر منطقه و هر دوره‌ای مردمان با شیوه‌ای متناسب با زمان و محیط، تجربه زیسته و خاص خود را به صورت مختلف به یادگار گذاشته‌اند. بر پژوهشگر امروز فرض است که با آن شیوه آشنا باشد و راه رسیدن به آن را با امکانات امروزمین پیدا کند، راه و رسم پژوهشگران پیش از خود را بشناسد و از دستاوردهای درست آن بهره‌مند شود. در این مورد اکتفا کردن به فضای مجازی و اینترنت، که عمری فراتر از رسمیت همین مقاله‌نویسی قالبی ندارد، کفایت نمی‌کند. بسیاری از پژوهش‌های مردم‌شناسی و فرهنگ عامه پیشینه‌ای دیرازتر از عصر اینترنت دارد. در ایران اگر هدایت، کوهی کرمانی و صبحی مهتدی را نخستین کوشش‌گران فرهنگ مردم بدانیم، هم‌اکنون نزدیک به یک قرن از آغاز این دانش می‌گذرد. پژوهشگران امروز از نتایج مطالعات و دستاوردهای علمی آنان بی‌نیاز نیستند و در پژوهش‌های خود باید از آن‌ها بهره‌مند باشند.

نکته دیگری که نباید از نظر دور داشت این است که دل‌بستگی بیش از حد لزوم به مکاتب، نظریه‌ها و شیوه‌های غربی، که عمدتاً در زمینه‌های علوم تجربی کارساز است، برای مطالعات فرهنگ عامه کارگشایی لازم را ندارد و باید در استفاده از آنها نهایت احتیاط و صرفه‌جویی را به‌عمل آورد.

گذشته از پژوهش‌های میدانی که حاصل آن‌ها سان و سیرت خاص خود را دارد، دیگر پژوهش‌های فرهنگ مردم و مقالاتی را هم که در این حوزه‌ها نوشته می‌شود نمی‌توان در قالب واحدی ریخت یا با سنجه‌های رایج در علوم تجربی یا حتی علوم اجتماعی و جغرافیا ارزیابی کرد. بسیاری از این پژوهش‌ها توصیفی و فاقد فرضیه و آورده ویژه‌ای است، چنان‌که گاهی نتیجه کار هم در نفس پژوهش باید جست‌وجو شود. با این انگاره است که نشریه فرهنگ عامه می‌کوشد راه را برای پژوهش‌های آزاد و ابتکاری که با توجه به موضوع کار قالب خاص خود را پیدا کرده است، باز بگذارد.

محمدجعفر یاحقی